

شما خودتان یک رهبرید!  
 بمناسبت خبر اخراج حاج اقا مخملباف (سخنگوی کنونی حاج آقا موسوی یکی دیگر از بنیادگزاران پر  
 افتخار رژیم جمهوری اسلامی) و خانواده از افغانستان در سال 2006 (دو زاری نکارنده، همیشه  
 پنج تا دهسال دیر می افند)!

حضرت حاج اقا مخملباف! السلام و علیکم  
 شما مردی هستید که از زیر، بالا، پشت و روی رهبران و روسای امور رژیم پرافتخار جمهوری  
 اسلامی، از قبل از انقلاب و بعد از آن، آگاهی دارد و به قول معروف مردی که زیاد (زیادی) میداند و  
 به همین دلیل جانش در خطر است!! بنابر این هنگامی که خبر را شنیدم (شایعه یا واقعیت، چه فرقی  
 میکند؟) بسیار بسیار عصبانی شدم. و انرا توهینی به همه ایرانی های وطنپرستی تلقی کردم که در طول چند  
 هزار سال که از تاریخ پر عظمت ایران می گذرد افتخارشان به هنرمندانشان است و حال که یک خانواده ی  
 هنرمند و در درجه اول مسلمان و معتقد به برقراری حکومتی الهی و جمهوریهای اسلامی درجه یک (از هر  
 نظر!! و به خصوص آیات عظام خمینی و رفسنجانی) پیدا شده است که بجای پرورش گوسفند یا کشت  
 خشکاش و یا صدور تریاک و هروئین و یا لشکرکشی نظامی در کشور دوست و همسایه و همزبان و  
 همکیشمان فیلم میسازد، فیلمساز پرورش میدهد و فیلم صادر میکند، (با درجه ی ممتاز)، و از زندگی راحتش در  
 مملکت خودش گذشته حالا استکبار جهانی بیاید و بهمین اسانی این خانواده نمونه را از کشور افغانستان بیرون  
 کند!! آنهم زمانی که از سوی چین در معرض خطر است (غرب اگر افغانستان و ایران را رها کند چین  
 میدود می رود به افغانستان و ایران، روسها هم که از ده ها سال پیش در ایران می پلکند) ! مگر این  
 خانواده چه کرده است جز دلسوزی برای یک عده که خودشان میدانند صنعت فیلم چه کاربردهایی  
 موثری دارد؟! (از هر جهت!!)، و حداقل از این بابت صدها سال از همسایه مسلمانش عقب است. همسایه  
 ای که سالی چندین هزار هنرمند و سینماگر (یکی از یکی بهتر و مودب تر و سر بزیرتر و با حیاتر و  
 در ضمن هنرمند!!) بیرون میدهد و بازار همه ی جشنواره ها را فتح کرده و کار و کاسبی دلان هنر را  
 سکه!! تازه مگر چه میشود که این خانواده پس از خدماتی که به میهن اسلامیشان کرده اند بخصوص در  
 نشان دادن دلایل فقر و بیچاره گی بچه های ایرانی که آنها هم بقول مسافران و توریست های  
 خوشگذران ایرانی، باز بچه های همان افغانستان هستند که بعنوان بچه ایرانی بعد از تجاوز به آنها،  
 به کشورهای همسایه و غیرهمسایه صادر میشوند!! و تازه گیریم که ایرانی هستند به خانواده اقای  
 مخملباف و هنرمندانی مثل آنها چه مربوط؟ آنها کار خودشان را کرده و حالا که خوشبختانه ایران از هر نظر،  
 به همت رهبران و روسای امور جمهوری رژیم جمهوری اسلامی و گفتم از هر نظر، سرآمد  
 کشورهای عقب افتاده جهان سوم شده است و در این امر خیر هم هنرمندان، نویسندگان، شاعران،  
 دانشمندان، تحصیل کردگان و حقوقدانان، سیاستمداران ریز و درشت و ... سربراه، اهلی، تربیت  
 شده و مثل کبریت بیخطر و بقولی بی دندان و بقولی دیگر رام شده!! همراهان وفادار رژیم بوده و  
 هستند تا جائیکه باعث حسادت کشورهایمانند دانمارک و نروژ و خلاصه همه ی کشورهایمانند که بویی از  
 حقوق بشر و انسانیت اسلامی نبرده اند و شاید تا دهسال دیگرهم نبرند! شده اند، چه اشکالی دارد که به  
 بهبودی وضع کشورهای دیگر پردازند و نامشان غیر از تاریخ خودشان در تاریخ چندین کشور دیگر هم بعنوان  
 ناجیان انسانهای درمانده ثبت شود.

اقای مخملباف عزیزم، نرسید چون شما در آنچه که کرده اید محق هستید و من به قول امام خمینی  
 رهبرعالیقدرتان، شخصا میزنم تو دهان کسی که بخواهد بشما حتی کمترین ایرادی بگیرد، با اینکه  
 در کتابهایتان و فیلمهایتان به خصوص فیلم توبه نوح یک نکات ریز و درشتی درباره نقش زن در  
 سینمای اسلامی و چگونگی استفاده از زن و استفاده از زندانیان سیاسی در فیلم ... آورده اید که  
 میشود به اسانی از آنها گذشت!! و اوایل انقلاب کبیر اسلامی یک تعدادی (تعدادشان البته بعدا  
 معلوم میشود) از این از خدا بیخبران بیدین و لامذهب را هم تحویل شهید کبیر و برادر بزرگترتان  
 لاجوردی داده اید که انهم به لاجوردی مربوط میشود و نه شما و چون بیشتر مربوط به از دین خارج  
 شدگان است و جان و مال آنها اصولا کمترین ارزشی ندارد و سرنوشت خانواده هایشان هم بعد از  
 دفن شدن آنها در گورستانهای بی نام و نشان و فراموش شده مهم نیست!! و خوشبختانه و صدهزار  
 شکر که خانواده ی شما از پدر و همسر بسیار خوشفکر و عاقلی مثل شما برخوردار بوده اند و گرنه میتوانید  
 تصورش را بکنید که اگر شما هم مثل هزاران هزار آدمهایی که کله شان بوی فرمه سبزی میداد زیر  
 شکنجه های (ناز و نوازشهای آموزگارانه، پدران و اسلامی لاجوردی!!)، از میان ما میرفتید چه  
 مصیبتی دامنگیر همین آقای موسوی، روشنفکران و بچه های شما میشد؟ بچه های شما  
 نمیتوانستند از سانسور سازنده ی جمهوری اسلامی تمجید کنند و فیلم ببینند و فیلمساز بشوند و  
 خدای ناکرده ممکن بود حتی اشتباهها به کشورهای عربی صادر بشوند! چه برسد که با حجاب غیر  
 اسلامی در محافل جشن و سرور جشنواره ای این از خدا بیخبران نامسلمان فرنگی که شما در  
 مصاحبه هایتان مکررا و بیرحمانه به آنها میتازید شرکت کنند و هی جایزه بگیرند و هی بچه های  
 افغانی ساکن بلاد ایران!!!! که گویا تعدادشان هم بنابر امار رسمی و لطف و کفایت حکومت،  
 خوشبختانه خیلی خیلی زیاد است و هر روزهم مثل قارچ زیادتر میشود، بز بفروشند که:

>> بابای ما حاج محسن است و خیلی هم عاقل است مثل بابای شما کله خراب نیست که !!! که:  
 ما این همه فیلم ساختیم و همه جای دنیا را هم گشتیم و هر جا هم که میرویم میدانید چه پذیرایی هایی از ما  
 میشود البته ما دائما به فکر شما هستیم و گرنه از زندگی در افغانستان چپی گیرمان می آید؟ در افغانستان تنها  
 تقریحا فیلمسازی و فیلم کردن فامیلهای شماست!! ولی تا فیلم یکی از اعضای خانواده تمام میشود (هر  
 چند هفته یکی!!)، ما مجبوریم به جشنواره ها بدهیم (اصلا میدانید جشنواره یعنی چه؟ نه! ایا باید برای شما  
 همه چیز را توضیح داد؟ جشنواره یعنی اینکه یک کشوری از جمع کشورهای مهربانی مثل کشورهای  
 اتحادیه اروپا! با یک کشور دیگر مثل... مثل ایران! مثل میزنیم که شماها خوب بفهمید!!! قرارداد دارد  
 برای مثلا خرید نفت به قیمت خوب مشتری (اروپایی) پسند! و اگر خدای نکرده و زیانمان لال یک  
 کشور جهانخواری مثل امریکا، به ایران حمله کند و خودش همه چیز را برای خودش بردارد و به  
 انهای دیگر چیزی ندهد، مردم این کشورهای اروپایی به حال و بروز شما میافتند و قیمت همه چیز  
 بالا میرود و آنها باید بروند در خیابانها گدایی کنند. پس اینها میایند و بکمک این دلال ها که

خوشبختانه بابا محسن همه شان را می شناسد و باز خوشبختانه بخصوص در پاریس تعدادشان بدک نیست جشنواره راه می اندازند و از ایران فیلم می آورند که ما البته با این امر تعداد زیادی فیلم آوردن از ایران موافق نیستیم. باید چند فیلم با ارزش از کار هنرمندان خارج از کشور مثلا فیلمهای ما را که در کشور دوست و همسایه افغانستان ساخته شده اند، نشان بدهند... همه هم راضی هستند چون به امریکایی ها نشان میدهند که ما ایرانیها تحصیلکرده ها و هنرمندان (بیزنس من و بیزنس وومن) بسیار باارزشی داریم که برای پول و شهرت و هنر!!! خیلی ارزش قائل هستند، و این حکومت را باید گذاشت به حال خودش با مسائل خودش که خوشبختانه گویا اکنون که جایزه نوبل را هم گرفته ایم مسائل خیلی کمتر از سابق شده و اصولا مسئله ای وجود ندارد ولی در هر صورت اگر مسئله ای هم باشد خانم شیرین عبادی پنج سال پیش فول داده تا دهسال دیگر همه چیز را درست بکنند!! باور کنید دهسال اصلا چیزی نیست، پنج سالش گذشت، خودما در دهسال پیش فکر نمیکردیم که پامان را حتی برای زیارت مرقد امام حسین ع به بیرون از ایران بگذاریم!! چه برسد که بیایم از تمام این کشورهای نامسلمان دیدار کرده و از دستهای نجس صاحبان جشنواره ها جایزه اضافه خرج سفر بگیریم و بعد در شب نشینیهای انجمنی و خسته کننده شان که نا صبح حرام میخورند و حرام مینوشند و تخم حرام خاویار کوفت میکنند و همه هم لخت و پتی هستند شرکت کنیم... و یا مثل ان یکی دیگر که هر جا می نشیند میگوید که اولین بار فیلم طعم کوفت و زهرمار گیلاس او و ابتکار و کوشش وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی بوده که جمهوری اسلامی و این کشورها را به فکر انداخته که از تحصیلکرده ها و هنرمندان با ارزش!!! ایرانی برای گفتگوی تمدنها!!! و فراموش کردن دادگاه میکونوس و نتایجش، استفاده کامل بکنند و هم او یک شب هم یک هنرپیشه زن فرانسوی وقتی که جایزه باو میداد او را از روی لپش نه روی لبش، بوسید، ایا فکر میکرد که اینگونه حق ما و بخصوص حق بابا محسن را باو بدهند؟؟؟ و... و بعد هم از این کشور بالاچار و روی وظیفه میرویم مثلا پاریس، لندن، ونیز و... که این شاهکارهای مسلم سینمایی را نشانمان بدهیم چون در کابل سینما خیلی کم است و فیلمهای ما بدرد شما بچه های افغانی ایرانی نما هم نمیخورد. خب شما ها که نمیدانید پاریس چي هست ؟ خوردني است؟ پوشيدني است؟ درهر صورت اصلا مهم نیست!! همه چیز را باید برای شما عقب افتاده ها توضیح داد!! خلاصه درشهر پاریس چند نفر دست به سینه در فرودگاه ( حالا لابد میپرسید فرودگاه چیست؟؟ فرودگاه همانجاییست که شما ها در اطرافش مثل مور و ملخ بهم میلولید و کبریت و اداس می فروشید!!) منتظر پایا هستند که ما یکی دویار از حاج محسن! (اخه ما باپامون رو حاجی صدا میکنیم چون خودش میگوید خدماتی که من به اسلام کرده ام هیچکس تاکنون نکرده است چه نظری و چه عملی!!)، شنیده ایم که اینها همه تازه مسلمان شده اند مثل یکی باسرم؟؟؟ خدایا اسمش چه بود؟ اخه اسمش هم عوضی است!! اها یادمان آمد باسرم حقیقت، اره محمد حقیقت، همش دارد خودش را بعنوان کسی که مارا در فرانسه معروف کرده، جا میزند ولی با حق دلالی هایی که میگیرد با پررویی فیلم ساخته، چندتا خانه خریده و پول نزول میدهد و هي میروند ایران و میباید و فیلمهای سفارشی ساواما را می آورد بخورد این کافران بی همه چیز میدهد. حالا مرتیکه چرا فیلم می اوری؟ خبر مرگت مثل ان یکی کارچاق کن های دیگر از اینهمه جامعه شناس، نویسنده، شاعر، اوازه خوان، نقاش و موسیقیدان در ایران داریم مثل انثی، دولت آبادی، ایرج صهبایی و... و همه شان هم خوشبختانه، خوب، سربزیر، اهلی و خجالتی هستند! بیاور و پولهایشان را بالا بکش شبها هم بجای هتل برشان تو زیرزمینی، خلاصه یک جایی بخوابند، هم آنها خوشحالند که آمدند اروپا را چرخي زده اند هم تو و تازه ممکنست یک حق دلالی هم از شان بگیری!!! که حتما میگیری (ای ناکس!! ما تورا خوب میشناسیم!!!) ... و یا از همان شاعران، نویسندگان و هنرمندان مودب، بی دندان، بی ازار و اهل و ساکن اروپا استفاده کن!! ولی فیلم و فیلمسازی را بگذار برای خانواده ما!! از تو مگر چه کم میشود، حق دلالی ات هم محفوظ!! پایا جان میرساند! بابا محسن میگوید فرار بود جایزه فلینی را به او بدهند ولی این نامرد حجت الاسلام احسان نراقی و کیف کشانش مثل هر موز کی (نویسنده کتابی در بزرگداشت از شخصیت حجت الاسلام احسان نراقی و خدمات و سجایای ایشان و فیلم ساز)، در یونسکو کاری کردند که این جایزه را دادند به عباس کیارستمی، (از همان موقع پایا با نراقی قهر افتاد و سال بعد هم که همین جایزه را دادند به پایا محسن، او لچ کرد و جایزه را بخشید به فک و فامیل های شما در افغانستان. میبینید چه بابای خوب، مهربان و بخشنده ای داریم؟؟؟ اصلا ما چرا بشما داریم گزارش میدهیم. به شما بچه های زبان نفهم کبریت و اداسم فروش خیابان خواب چه مربوط که ما چه میکنیم!! بچه های بی پدرمادر!! اصولا اگر ما فیلم نسازیم یک عده فرصت طلب هستند که میخواهند خودشان را همه جا مطرح کنند! و جای ما را بگیرند، ما نکنیم آنها میکنند، و اکثرشان هم بعد از انقلاب مسلمان شده اند، مثل داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، جعفر پناهی، حسن یکتا پناه، سیدرضا میرکریمی، ابراهیم فروزش، مجید مجیدی، رخشان بنی اعتماد، تهمینه میلانی، ابوالفضل جلیلی که انقدر پررو و بیسواد است که میگوید شبها خدا برایش فیلمنامه مینویسد، انهم شبها! (یعنی خدا نمیتواند روزها هم بنویسد که پول برق ندهد؟؟؟) . و... <<

بهر جهت، اقای مخملباف، این خبر اگرچه خوشبختانه فوراً از سوی شما تکذیب شد ولی باید حواستان باشد که این اگر اتفاق بیفتد(اخراج شما!) شما هم مثل خیل اواره های ایرانی مجبورید به زندگی در کشورهای اروپایی تن در دهید و اینجا هم اینها بقدری خودخواهند که اگر شما کمترین انتقادی از جامعه شان بکنید باهتان لچ می افتند و همه جایزه هایشان را که شما بحق گرفته اید!! به ناحق پس میگیرند، پس از هم اکنون یک کشور دیگر مثل لیبی، سومالی یا کشور برادر و همکیش ولی نه همزبانی مثل سوریه را برای زندگی در نظر بگیرید چون من خیلی برای شما و آینده شما و خانواده نگرانم که اگر خدای ناکرده زبان دشمنان اسلام لال، در ایران با همه سعی هاییکه از سوی جامعه اروپا میشود که از انفجار جامعه جلوگیری کنند، انقلابی بشود، بر سر شما و آینده سینمایی شما و خانواده چه خواهد آمد. حتی همین محمد حقیقت ها برایتان طره هم خورد نخواهند کرد و خیلی راحت خواهند گفت اشتباه کردیم!!! ببخشید!! ما از ابتدا با انقلابیون بودیم و داشتیم تقیه میکردیم!! انهم بشرطیکه شما را به پلیس بین المللی لو ندهند!!!

اما دمتان گرم با فیلمهایتان!!! به خصوص فیلم جدید انتخاباتی تان، در نقش سخنگوی حاج آقا موسوی (نخست وزیر زمان جنگ با عراق و قهرمان جنگ با دشمنان و اسرای اسلام در زندان های جمهوری اسلامی)!

و دو پیشنهاد!!

1- هرکس درباره ی سابقه ی شما به خصوص در اوایل انقلاب و نزدیکی افکار و ارادتمندی شما به امام خمینی و اسلام سؤال کرد جواب سربالا بدهید یا اصلا جواب ندهید! شما میدانید، من هم میدانم که این ها همه شایعه هایست که دولت فحیمه انگلیس می پراکند و آنقدر وقیح هست که حتی ادعا می کند که رضا شاه، محمد رضا شاه و جمهوری اسلامی را او بر سر کار آورده (درحالی که همه ی دنیا میدانند که اینها مستقل به دنیا آمده اند و انگلیس هیچگونه دخالتی نه تنها در امور ایران نداشته و ندارد و نخواهد داشت بلکه در تاسیس اسرائیل و تجزیه امپراتوری عثمانی و سرنگونی مصدق هم دخالت نکرده)!! انگلیس میگوید که بحرین و افغانستان راهم او از ایران جدا کرده است... بقول شما: الله و اکبر از اینهمه پررویی انگلیس! واضح و مبهرن است که انگلیس و هیچ قدرت خارجی در به قدرت رساندن جمهوری پر افتخار اسلامی و به بیراهه بردن انقلاب ایدا دخالتی نداشته است حتی انگلیس وقاحت را بجایی رسانیده که میگوید خامنه ای، احمدی نژاد، خاتمی را مجلس خبرگان انتصاب کرده و موسوی به خاطر لیاقتش و بررسی اش خودش مستقلا نامزد شده چون از حمایت پی دریغ خانواده ی زندانیان سال های پنجاه و نه تا شصت و نه (زمان نخست وزیریشان) و فراموشی و الزایمر مکررو گاهی دائمی عده ای از روشنفکران، مطمئن بوده، جوانان از شانزده تا سی ساله هم که اصولا گذشته ی او را نمی شناسند و تشنه ی آزادی اند، این را شما هم میدانید فقط حواستان باشد که دشمنانتان شما را خراب نکنند (هرچه زودتر به قدرت برسید و پدر بدخواهانتان بسوزانید! هر چند که هیچگاه از شما این کارها بر نمی آمده و نمی آید!)

2- من از شما تعجب میکنم، شما و همسر هنرمندتان حاج خانم مرضیه خانم مشکینی و فرزندان با هوش و هنرمندتان که استحقاقتان از نظر اعتقادات به مدرنیته و به خصوص خدماتتان در پایه گزاری رژیم پر افتخار جمهوری اسلامی! خیلی بیشتر از حاج آقا موسوی و حاجیه زهرا خانم رهنورد برای رهبری مردم جان به لب رسیده ایران است، پس چرا باید به نقش دست دوم سخنگویی تن در دهید! علی الخصوص امروزه که در خارج از کشور، بسیاری از فراری های تبعیدی سابق رژیم پر افتخار جمهوری اسلامی، مثل همیشه خودشان را به فراموشی، کری، لالی و کوری زده اند! و شما را دوباره کشف کرده اند! (گویا امروز فرار است که شما و صبیحه سمیرا خانم به عنوان شخصیت های مهم و به دعوت برگزارکنندگان مستقل، از تظاهرات ایرانیان در پاریس سان ببینید و سخنرانی بفرمایید... تریکات ارادتمند به این برگزارکنندگان که باعث و بانی این زیارت تاریخی هستند!) نخیر، ایدا، شما نباید نوجه و آلت دست این و آن بشوید... مجلس خبرگان، شورای نگهبان، تشخیص مصلحت نظام، خامنه ای، احمدی نژاد، خاتمی، رفسنجانی، موسوی چه کاره اند!

شما خودتان ماشا الله یک رهبرید!

چاکر و مخلص و ارادتمند و دعاگویی دائم العمر شما و خانواده مخملیاف

سی پار جواد دادستان 29 06 09